

موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و حقوق بین المللی

علیرضا میلانی^۱ و قاسمعلی توسلی^۲

۱- استاد یار گروه حقوق و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، نویسنده مسئول (alirezamillani@yahoo.com)

۲- دانشجوی حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد شهر قدس (Ghasemtavasoli1344@gmail.com)

چکیده

متهم با تحقق عوامل رافع مسئولیت کیفری از نظر جزایی مسئول شناخته نمی شود و به تبع آن هیچ گونه مجازاتی درباره ی او اجرا نمی شود. در هر نظام حقوقی برای برپایی عدالت در جامعه و جلوگیری از رخداد برخی از حوادث ارگان هایی مسئولیت پاسداری از جامعه را بر عهده می گیرند ولیکن این افراد همواره و در همه جا نمی توانند به وظیفه خود عمل نموده و از افراد حمایت نمایند. در این پژوهش درصدد این مسئله هستیم که موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و بین الملل چه تفاوت هایی با هم دارند و اینکه چه عواملی سبب رفع مسئولیت کیفری می شوند. نتایج پژوهش نشان می دهد که عواملی نظیر مستی، جنون، عدم بلوغ و نیز صغر سن و اکراه و اضطرار و اشتباه حکمی و موضوعی سبب رفع مسئولیت کیفری می شوند و همچنین نداشتن اراده و اختیار سبب سلب مسئولیت می گردد.

واژه های کلیدی: مسئولیت کیفری، حقوق ایران، کیفری، جزای بین الملل

۱- مقدمه

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام امور است و در بُعد کیفری به معنای ملزم بودن مجرم به تحمل آثار و نتایج حاصل از جرم تفسیر می‌گردد؛ به عبارتی دیگر هر کس مرتکب جرم شود، در برابر بزه دیده و جامعه مسئول شناخته خواهد شد. دانشمندان حقوق جزای عرفی جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌کنند که از شخصی مسؤول سرزده و در قانونگذار برای آن مجازات در نظر گرفته باشد.^۱ مسئولیت در معنی عام آن از نظر قانون شامل مسئولیت مدنی و کیفری است که بدون اثبات آن، احقاق حق مفهوم عینی خود را از دست داده و صرفاً جنبه ذهنی خواهد داشت زیرا در جریان رسیدگی به هر پدیده جزایی، یگانه عاملی که حق را از قوه به فعل در آورده به آن عینیت می‌بخشد و به طور ملموس در اختیار صاحب حق قرار می‌دهد اثبات مسئولیت کیفری است. البته تا زمانی که "قابلیت انتساب" رفتار مجرمانه به مرتکبین از سوی قاضی رسیدگی کننده احراز نگردد، معارض با تحمیل هرگونه مسئولیت کیفری بر اشخاص، اصول "دادرسی منصفانه" خواهد بود. علاوه بر این، در صورتی که قاضی بخواهد به نحوی مسئولیت کیفری بر اشخاص تحمیل کند، ابتدا باید "اهلیت کیفری" مرتکبین را مورد بررسی قرار دهد و در صورت عدم احراز آن، از تحمیل مجازات مقرر خودداری ورزد. عوامل موجهه یا رافع مسئولیت کیفری یا سبب زایل شدن مسئولیت کیفری و مدنی می‌شود یا لاقط مسئولیت کیفری مرتکب را منتفی می‌سازد. عوامل موجهه ی جرم با زایل کردن عنصر قانونی نفس جرم و مجرمیت را از بین می‌برد اما علل رافع در منتفی کردن نفس جرم بی‌تاثیر اند.^۲ در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که تفاوت های حقوق ایران نسبت به موانع مسئولیت کیفری با حقوق بین الملل کدامند؟ مصادیق موانع مسئولیت کیفری در ایران و حقوق بین الملل در کدام حیطه مشترکند؟

مفهوم شناسی

۱-۲- علل رافع مسئولیت کیفری

ارتکاب جرم در شرایط عادی موجب مسولیت جزایی است مگر اینکه مجرم، گاه به دلایلی نتواند بار مسولیت را تحمل کند. در این شرایط می‌گویند نمی‌توان جرم را به مجرم نسبت داد و لذا مسولیت از او زائل می‌گردد. شخصی که حین ارتکاب جرم فاقد قوه تمیز است نمی‌تواند مسوول بزه انجام یافته باشد. به عبارت دیگر توان تحمل بار مسولیت و به تبع آن مجازات در این شرایط وجود ندارد. در کلیه مواردی که مسولیت جزایی با عللی که زائل کننده آن هستند، مجرم قابل مجازات نخواهد بود. تنها باید به این نکته توجه داشت که علل رافع مسولیت گاه به طور کامل مسولیت جزایی را از بین نمی‌برند و گاه فاقد آنچنان نیرویی هستند که زائل کننده تام مسولیت جزایی باشند.^۳

۲-۲- مفهوم مسئولیت کیفری در ICC

در اساسنامه دیوان بین الملل کیفری ظاهراً تمایز مشخص بین انواع عوامل معافیت از مسوولیت کیفری، بیشتر بر اساس حقوق عرفی و بر اساس مفهوم گسترده دفاعیات جمله بندی شده است. به عنوان مثال مشخص نیست یک عامل مشخص بعنوان یک عامل توجیه کننده جرم مطرح است یا بعنوان یک عذر معاف کننده جرم است. در حالیکه این دو با یکدیگر در تفاوت آشکاری بسر می‌برند لذا لازم است اساسنامه دیوان را با توجه به عرف بین الملل و رویه های قضایی موجود در حقوق بین الملل و به معنای مطلق دفاع مورد نقد و بررسی قرار دهیم.^۴

موانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران

۱. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ اول، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۴

۲. گلدوزیان، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، چ ۴، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷

3 <http://lawgostar.com>

۴. شکیبادیزگوین، مریم، بررسی تطبیقی عوامل رافع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق کیفری ایران، پایان نامه، ۱۳۴۸

ارتکاب هر جرمی، لزوماً به اعمال واکنش‌های اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه برای این کار ابتدا باید مسؤولیت متهم احراز شود؛ زیرا مجازات اشخاص غیر مسؤول بی فایده و ناعادلانه است. در مواردی نیز علی‌رغم وقوع جرم و وجود شرایط مسؤولیت در مجرم، وی در قبال همکاری با ضابطان و دادرسان در کشف جرم یا دستگیری سایر متهمان از مجازات معاف می‌گردد. یا در مجازات‌ها تخفیف داده می‌شود.^۵

۳-۱- مسؤولیت جزایی اطفال و نوجوانان در خصوص جرایم مستلزم حد

قانون جدید مجازات اسلامی مقرر داشته هرگاه نا بالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص شود در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات زیر محکوم می‌شود:

۱- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

۲- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تغیزی درجه یک تا پنج.

اما اگر بزهکار نابالغ کمتر از ۱۲ تا ۱۵ سال داشته باشد اقدامات زیر در مورد آن‌ها اتخاذ خواهد شد.

۱- تسلیم به به والدین یا به اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

۲- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند.

۳- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه، بنابراین قانونگذار بین جرایم تعزیری با جرایم حدی و قصاص تفکیک قایل شده است. در جرایم حدی و قصاص، انعطافی که در رابطه با جرایم تعزیری در قانون پیش بینی شده وجود ندارد. البته پیش بینی ارفاق‌هایی که در بالا به آن اشاره کردیم نیز گام بزرگی در حمایت از متهمان کودک و نوجوان است. به نظر می‌رسد، این مواد با اندکی ابهام نوشته شده است که تفسیرهای مختلف حقوق دانان را به دنبال خواهد داشت؛ از جمله این که تفکیکی میان دختران و پسران در سن بلوغ (۱۵ سال) قائل نشده است.^۶

۳-۲- جنون

تأثیر جنون بر مسؤولیت کیفری مرتکب و امکان تعقیب او در سه مقطع زمانی مختلف قابل بررسی است. این سه مرحله بر اساس روند شکل‌گیری عمل مجرمانه تا اعمال واکنش قضایی، عبارتند از: مرحله ی ارتکاب جرم، مرحله ی دادرسی تا پیش از صدور حکم و مرحله ی اجرای حکم.^۷

به موجب ماده ی ۱۴۴ قانون جدید «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود» با توجه به این ماده و جمع آن با ماده ی ۱۴۰^۸ همین قانون، میتوان پذیرفت که در جهت تحقق جرم عمدی، افزون بر بلوغ، عقل و اختیار که از شرایط مسؤولیت کیفری است، دو جزء دیگر که از اجزای عنصر روانی است، شامل علم به موضوع و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه نیز لازم است.^۹ بدیهی است اختیار با قصد ارتکاب عمل مجرمانه یکی نیست؛ برخی عنصر روانی جرم و مسؤولیت کیفری را خلط کرده و معتقدند برای تحقق عمد در فعل، مرتکب باید رفتار مجرمانه را از روی اراده و اختیار بر روی انسان مورد نظر انجام داده باشد، نه اینکه بر اثر عواملی مانند جنون، مستی، اجبار و هیپنوتیزم، اختیاری در ارتکاب رفتار مجرمانه نداشته باشد.^{۱۰}

۵. ولیدی م.ص، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۳، تهران، نشر داد، ۱۳۷۴. ص ۱۳۲

۶. شهید ثانی، زین الدین ابن محمد، مسالک الافهام، ج ۲، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۱۵، ص ۶۵

۷. پیمانی ضیاء الدین، تفصیل قواعد دفاع مشروع در حقوق جزایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷، ص ۹۸

۸. مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

۹. نبیپور، محمد، شرایط مسؤولیت کیفر در لایحه قانون مجازات اسلامی، تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۷، ۱۳۸۹

۱۰. میرمحمدصادقی، حسین؛ طبقه‌بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸، ص ۹۴

قوانین کیفری ایران تعریفی از جنون ارائه نداده و تنها به ذکر اصطلاح جنون و مفاهیم مشابه مانند «اختلال قوای دماغی»، «اختلال شعور» و امثال آن اکتفا نموده است. ماده ی ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مقام تعریف جنون اشعار میدارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب شده و مسؤولیت کیفری ندارد». برخلاف ماده ی ۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که عبارت مبهم «جنون به هر درجه که باشد رافع مسؤولیت کیفری است» را به کار برده بود، در ماده ی فوق، جنون به طور نسبتاً روشن تری تبیین گردیده است.

۳-۳- اشتباه

اگر اشتباه در موضوع جرم، یعنی نفس عمل ارتكابی باشد، اشتباه موضوعی نامیده می‌شود. این نوع اشتباه در جرایم غیر عمدی تأثیری ندارد، زیرا عنصر روانی این نوع جرایم که تقصیر یا خطای کیفری است، خود مشتمل بر نوعی اشتباه است. در واقع، توقع قانونگذار از انسان‌ها به رعایت احتیاط و نظامات دولتی چنان ناچیز است که این حداقل تلاش را نمی‌توان با حدوث شبهه منتفی دانست. شبهه در این قبیل جرایم خود نشانه بارز بی‌احتیاطی و بی‌توجهی به نظامات دولتی است؛ اما در جرایم عمدی، اشتباه موضوعی اگر راجع به یکی از ارکان اصلی جرم باشد، قصد را زایل کرده، مانع از تحقق جرم می‌شود.

در حقوق ما ممکن است عنصر روانی جرم وقتی شامل اراده ارتکاب عمل توأم با خطای جزائی است وجود اشتباه، موجب مسؤولیت کیفری و پرداخت دیه شود، زیرا، طبق تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق.ا.ا. (هر گاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود، به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شود، حادثه ای اتفاق نمی‌افتاد قتل یا ضرب یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود). کارگری که در میزان مقاومت و استقامت سیم بالا بر مصالح ساختمانی و یا سیم آسانسور دچار اشتباه شده و حادثه ای روی دهد که در اثر اشتباه مزبور، قتل و یا ضرب و جراحی واقع شود، جرم شبه عمدی تلقی و دیه پرداخت خواهد شد. همچنین دارو فروشی که به اشتباه به جای داروی تجویز شده، مواد سمی به بیمار می‌فروشد، به خاطر ارتکاب جرم سم دادن عمدی محاکمه نمی‌شود، بلکه چنانچه داروی سمی باعث مرگ یا صدمه بیمار شده باشد بخاطر جرم حاصله از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و یا خطائی بر حسب مورد کیفیت عمل مسؤول خواهد بود.^{۱۱}

در مورد قتل غیر عمدی به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات و حبس یک تا سه سال مسبب (علاوه بر دیه در صورت مطالبه به ماده ۶۱۶ ق.ا.ا. مراجعه شود).

۳-۴- اکراه

اکراه از لحاظ کیفری عبارت است از فشار معنوی غیر قابل تحمل و نامشروع به شخص و وادار کردن او به انجام یا ترک فعلی که از نظر قانون مجازات، جرم محسوب می‌شود، مشروط به اینکه این وادار کردن با تهدید جانی یا عرضی (آبرو) یا مالی مهم از جانب اکراه‌کننده همراه باشد. در اکراه، شخص مکره (اکراه شده) فاقد رضا و طیب نفس است که از همین جا نیز تفاوت بین اکراه و اجبار مادی آشکار می‌شود: در اجبار مادی، شخص مرتکب، فاقد اختیار و رضا است؛ در حالی که در اکراه، مرتکب واجد قصد اما فاقد رضا است و می‌تواند خود را با اجرای قانون هماهنگ و از ارتکاب جرم به هر قیمتی اجتناب کند. بنابراین اکراه شونده، آزادانه، با اختیار و با داشتن حق انتخاب اما بدون رضای واقعی، آگاهانه تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. علمای حقوقی اجبار را به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند که هر یک از این دو نوع نیز به نوبه خود، ناشی از علل بیرونی بوده یا ناشی از شخص مرتکب و علل درونی است. به اجبار معنوی که ناشی از علل بیرونی است، اکراه گفته می‌شود.^{۱۲}

در قوانین ایران ابتدا در ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی آمده است:

(در جرایم موضوع مجازات های تعزیری و بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار و اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط وامکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم

۱۱. میرمحمدصادقی، حسین؛ طبقه‌بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸، ص ۶۵

۱۲. امامی، سید حسن: «حقوق مدنی»، تهران، انتشارات اسلامی، چ بیست و دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵

تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می شود. در این ماده همانگونه که ملاحظه می شود قانونگذار به جرایم مستوجب تعزیر و مجازات - های بازدارنده توجه کرده و فاعل جرم که بر اثر اجبار و اکراهی که قابل تحمل نیست مرتکب جرم شده رافع مجازات می داند. در قانون سال ۱۳۹۲ حکم قانون گذار به این شرح است: ماده ۱۵۱ (هرگاه کسی بر اثر اکراه غیر قابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می شود).

در کتاب دوم قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۷ آمده: هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که زنا به اکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می گردد.

در مقابل در بند ت از ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر شده است (زنا یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است). این به آن معنی است که زانیه اگر به اکراه مرتکب زنا شده باشد دارای مجازاتی نمی باشد و عقلاً باید این قاعده را در حال عکس آن نیز صادق دانست زیرا دلیلی برای اینکه این معافیت را برای زانی در حالتی که اکراه شده باشد یافت نمی نماید.

۳-۵- مسلوب الاراده

افرادی که مسلوب الاراده شده باشند و در آن حین مرتکب جرمی شوند از نظر جزایی قابل مجازات نمی باشند در قانون سال ۹۲ قانون گذار در ماده ۱۵۴ مقرر داشت: (مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود).

در قانون سال ۷۰ صرف مسلوب الاراده شدن مد توجه قانون گذار بود و میزان آن مشخص نشده بود از این رو اگر فردی حتی به اندازه چند درصد هم این فرد اختیار خود را در اثر مصرف مواد الکلی از دست بدهد وی می تواند از این معافیت قانونی استفاده نماید و همین امر سبب شد تا راه برای سودجویی خیلی از افراد باز باشد به همین و در راستای ایجاد الزامات قانونی بیشتر برای مرتکبین این دست از جرایم مقرر شد تنها در صورتی افراد می توانند از این معافیت قانونی استفاده نمایند که به طور کل اختیار خود را از دست داده باشند و اگر اثبات شود که این سلب اختیار تا مرز ۹۹ درصد بوده و ۱ درصد فرد دارای اختیار باشد برای عدم استفاده از این مقرر معافیت قانونی کافی و وافی می باشد.

۱- مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل

بخشی از حقوق بین المللی کیفری - آنگونه که در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (۱۹۹۸) (ماده ۳۱) آمده، «عوامل رافع مسئولیت کیفری»^{۱۳} است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با تشکیل دادگاههای بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴)^{۱۴} انتظار میرفت که ابعاد مختلف و مسائل متعدد مربوط به این عوامل در رویه دادگاههای مزبور، بررسی و تحلیل و به این طریق، به بسیاری از پرسشهای مربوطه پاسخ داده شود^{۱۵} اما به دلایل متعددی این مهم حاصل نشد. از جمله این دلایل، دیدگاهی است که بر اساس آن، پیش بینی چنین عواملی برای امحای مسئولیت کیفری مرتکبان جنایات وحشیانه علیه بشریت... در قبال جرایمشان، بهطور مؤثر به آنها کمک کرده، بنا بر عوامل مزبور، مجازات اعمال نشود.^{۱۶} پرسش اصلی این است که در چارچوب اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، «عوامل رافع مسئولیت کیفری» کدام اند و شرایط استناد به عوامل مزبور، دامنه کاربرد و آثار هر یک چیست؟

13. Grounds for Excluding Criminal Responsibility

14. Security Council Res. 827, 1993

15. Security Council Res. 955, 1994.

۱۶. اوامر مافوق را میتوان استثنایی بر این گرایش دانست چرا که تا حد زیادی در رویه قضایی و دکترین، دفاع دستور مافوق، بحث شده است.

17. Eser, Albin, "Defences in War Crimes Trials", in Yoram Dinstein and Mala Tabory (eds.), War Crimes in International Law, Kluwer Law International, The Hague, 1996, p. 251.

۴-۱-جنون

دفاع جنون در کنار پیشرفتهای پزشکی/روانشناسی توسعه و تکامل یافته است. از آنجاکه جنون، عنصر روانی جرم را از بین میبرد، نهادهای قانونگذار و دادگاهها ملزم نیستند چنین دلایل علمی را در حقوق کیفری درج کنند^{۱۸}

«جنون یا اختلال مشاعر یا از دست دادن قوای ذهنی یا بیماری روانی در صورتی میتواند از عوامل رافع مسئولیت [کیفری تلقی] شود که این حالات روانی، مانع قدرت تفکر لازم برای تصمیم گیری در خصوص صحت و سقم فعل شخص شود»^{۱۹}.

این عامل رافع مسئولیت کیفری در نظامهای حقوقی مختلف پذیرفته شده است. ۲۰ ماهیت آن ماهیت عمل معاف کننده است زیرا توانایی شخصی مرتکب را در خصوص کنترل عملش بر مبنای وضعیت روانی اش مدنظر قرار میدهد. هنگامی که این دفاع مطرح میشود، ناتوانی متهم در کنترل عملش، تأثیری بر قانونی یا غیرقانونی بودن آن عمل ندارد.

شق (الف) بند ۱ ماده ۳۱ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، نخستین مقرره‌های است که دفاع جنون را در حقوق بین الملل کیفری تدوین میکند. بر اساس این مقرره، شخص، در صورتیکه به واسطه بیماری یا اختلال ذهنی، نتواند غیرقانونی بودن عمل خود را تشخیص دهد یا آن را طبق قانون کنترل کند، از نظر کیفری در قبال فعل یا ترک فعل منع شده مسئولیت ندارد. درحقیقت، رفع مسئولیت کیفری بهموجب شق (الف) بند ۱ ماده ۳۱ اساسنامه، دو شرط دارد: نخست اینکه باید وضعیت اختلال روانی فراتر از حالت اختلال روانی آنی و زودگذر وجود داشته باشد (صرفاً حالت روانی یا احساسی نباشد).^{۲۱}

۴-۱-۱-اکراه و اضطرار

حقوق بین الملل کیفری، همانند نظامهای حقوقی کیفری داخلی، به این واقعیت توجه دارد که افراد ممکن است برخلاف اراده و خواست خود، وادار به ارتکاب جنایات شوند و از اینرو در چنین شرایطی، استناد به دفاع اکراه یا اضطرار را اجازه میدهد. هرگاه تهدید به صدمه از سوی شخصی علیه شخص دیگری مطرح میشود، بحث استناد به دفاع اکراه قابل طرح است و در مواردی که صدمه ناشی از حوادث طبیعی، خارج از کنترل شخص است، دفاع اضطرار میتواند قابل استناد باشد.^{۲۲} ادبیات حقوقی درمورد اکراه بهخوبی توسعه یافته است اما در رویه دادگاههای بینالمللی کیفری کمتر مورد توجه قرار گرفته است.^{۲۳} میتوان عناصر اصلی دفاع اکراه را به این شرح بیان کرد: الف) عمل ارتكابی به منظور اجتناب از یک خطر فوری که هم شدید بود و هم جبرانناپذیر، ارتکاب یافت؛ ب) هیچ ابزار مناسب دیگری وجود نداشت؛ و ج) راهکار اتخاذشده با خطر (یا عمل شرورانه) نامتناسب نبود.^{۲۴} هرچند در اساسنامه دادگاههای بین المللی کیفری اختصاصی، اکراه و اضطرار ذکر نشده است شق (د) ماده ۳۱ اساسنامه دیوان بینالمللی کیفری به اکراه و اضطرار پرداخته است. تدوین ضعیف شق (د) بند ۱ ماده ۳۱ ناشی از دیدگاههای مختلف و انعطافناپذیر طرفهای مذاکره کننده است. بنابراین، همانند بسیاری از مقررات اساسنامه، این قید، نتیجه نوعی مصالحه و سازش است. آنچه در متن شق (د) واضح نیست در وهله اول، تعریف «اکراه» و «اضطرار» است و همچنین این مسئله که آیا این دفاع درمورد اتهام قتل عمد قابل استناد هست یا نه. تاریخ تدوین اساسنامه حاکی از آن است که هرچند در ابتدا این دو مفهوم در مواد مختلفی قید شده بود، در سال ۱۹۹۸ هر دو در مقرره واحدی گنجانده شد و اضطرار در چارچوب

18. Bantekas, Ilias & Susan Nash, *International Criminal Law*, Second Edition, Cavendish Publishing, 2003, p. 141.

۱۹. کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بینالملل کیفری، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، جنگل، ص ۲۸۱.

۲۰. در حقوق کیفری ایران، ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مقرر میدارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده،

بهنحویکه فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب میشود و مسئولیت کیفری ندارد».

21. Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, 2nd, New York, Oxford University Press, 2008, p. 266

22. Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, 4th edn., Oxford, Oxford University Press, 2003, pp. 221 - 231

۲۳. درمورد اکراه بهطور کلی ن.ک:

. Chiesa, L.E. "Duress, Demanding Heroism, and Proportionality", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 2008, 41; Ehrenreich Brooks, R. "Law in the Heart of Darkness: Atrocity and Duress", *Virginia Journal of International Law*, 2003, 43; and also Epps, V., "The Soldier's Obligation to Die when Ordered to Shoot Civilians or Face Death Himself", *New England Law Review*, 2003, 37.

24. Erdemovic, 1997, para.5.

مفهوم اکراه بیان شد.^{۲۵} افزون بر آن، در خلال مباحث کمیته، این تصمیم گرفته شد تا این دفاع ترکیبی مشمول بند (د) شق ۱ ماده ۳۱ در خصوص اتهام قتل عمد نیز قابل استناد باشد زیرا شرط پیشین که قصد عدم ایراد مرگ را لازم میدانست، حذف شده بود.^{۲۶}

۴-۲- اشتباه حکمی و اشتباه موضوعی

بر اساس حقوق بینالملل، همانند اکثر نظامهای حقوقی داخلی، جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست.^{۲۷} حفظ نظم عمومی، لزوم اطلاع و آگاهی از قوانین محل سکونت، جلوگیری از اجرای تبعیض آمیز قانون در مورد افراد و صدمه به بنیادهای جامعه از جمله دلایلی است که عدم پذیرش اشتباه حکمی را توجیه میکند. اساسنامه رم در ماده ۳۲، اشتباه موضوعی یا حکمی را - تحت شرایطی - بهعنوان دفاع اجازه میدهد. «هنگام تدوین اساسنامه دیوان، در خصوص این مقرره، اختلاف نظرهای زیادی وجود داشت. در ابتدا دو گزینه مطرح شد که بر اساس آنها هیئتهای نمایندگان در این خصوص اختلاف نظر داشتند که آیا اشتباه حکمی یا موضوعی باید دلیلی برای رفع مسئولیت باشد یا خیر. برخی از هیئتهای نمایندگان بر این دیدگاه بودند که طرح اشتباه موضوعی ضرورت ندارد چرا که مشمول عنصر معنوی میشود»^{۲۸} دیدگاهی که در نهایت پذیرفته شد همان است که در ماده ۳۲ بیان شده است. بهموجب این ماده، اشتباه موضوعی تنها در صورتیکه عنصر روانی لازم برای ارتکاب جنایت را از بین میبرد، دلیلی برای رفع مسئولیت کیفری است. (بند ۱) همچنین، اشتباه حکمی نسبت به اینکه آیا نوع خاصی از رفتار جنایت تحت صلاحیت دیوان است یا خیر، دلیلی برای رفع مسئولیت کیفری نیست. اما اشتباه حکمی در صورتی میتواند رافع مسئولیت کیفری باشد که عنصر روانی لازم برای ارتکاب چنین جنایتی را، به نحوی که در ماده ۳۳ پیشبینی شده، از بین ببرد. (بند ۲) این بند بیانگر این قاعده کلی است که «جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست». درعین حال، دو استثنا را نسبت به این قاعده بیان میکند: الف) اشتباهی که عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم را از بین میبرد؛ و ب) اوامر مافوق. بهعلاوه، بند ۲ ماده ۳۲^{۲۹} بین اشتباه حکمی و، اوامر مافوق رابطه ضروری برقرار میسازد.^{۳۰}

۴-۳- صغر سن

دادگاه کیفری بین المللی، براساس ماده (۲۵) اساسنامه، تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارا و براساس ماده (۲۶)، این اشخاص باید در زمان ارتکاب جرم حداقل هجده سال سن داشته باشند. این سن پس از مذاکرات متعدد در مورد اینکه آیا باید سن مسئولیت کیفری در اساسنامه پانزده تا هجده سال باشد، به عنوان حداقل سن در ماده (۲۶) گنجانیده شد. اساسنامه دیوان بین المللی نورنبرگ و قانون دهم شورای کنترل متفقین، حاوی مقرراتی در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری نبودند؛ هر چند که عملاً هیچ شخص زیر هجده سال در محاکمی که پس از جنگ جهانی دوم برای مجازات جنایتکاران جنگی تشکیل شدند، به محاکمه کشیده نشد. در اسناد بین المللی تنظیم شده و کنوانسیونهای منعقد شده پس از جنگ جهانی دوم نیز بین مسئولیت کیفری مرتکبان جرایم بین المللی اشاره نشد. بدین ترتیب، کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ م، قطعنامه ۱۹۵۰ م، در مورد اصول نورنبرگ، پیش‌نویس‌های قوانین تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین الملل در

²⁵. Cryer, Robert, et al, 2007, op. cit, 135.

^{۲۶}. هر چند در حقوق سنتی انگلستان، اکراه هرگز عذر موجهی برای کشتن فرد بیگناه نیست، اما ن. ک. R v Howe, 1987.

^{۲۷}. آقایی جنت مکان، حسین؛ محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بینالمللی)، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴.

28. UNDoc A/CONF 183/2/Add 1, 1998, 57.

^{۲۹}. اشتباه حکمی به این معنا که آیا یک نوع عمل خاص، جرم مربوط به صلاحیت دیوان است موجب عدم مسئولیت کیفری نیست. باوجود این، اشتباه حکمی میتواند بهعنوان عامل رافع مسئولیت کیفری تلقی شود مشروط بر آنکه سبب از بین رفتن عنصر معنوی جرم شده یا مشمول مقرراتی باشد که در ماده ۳۳ آمده است.

^{۳۰}. در این خصوص بهطور کلی ن. ک. آقایی جنت مکان؛ پیشین، صص ۲۱۸ - ۲۱۴.

سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۴ م. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ م. و پروتکل‌های الحاقی آنها در سال ۱۹۷۷ م. و اساسنامه‌های دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، هیچ‌یک به موضوع نپرداختند.^{۳۱}

بدین ترتیب، به رغم این‌که برخی از منتقدین، وجود ماده (۲۶) اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را موجب فرار کسانی دانسته‌اند که هر چند کمتر از هجده سال سن دارند، ولی همان‌طور که در مواردی در یوگسلاوی سابق و رواندا مشاهده شد، چه‌بسا مرتکب جرایم شنیع بین‌المللی بویژه در زمان جنگ گردند، وجود این ماده را از جهت تثبیت سن مسئولیت کیفری از لحاظ سران سازمان‌ها یا دولت‌ها می‌توانند، بدون مسئول شناخته شدن، از کودکان شانزده تا هفده ساله به عنوان نیروی رزمنده استفاده کنند؛ ولی کودکان مذکور، در صورت ارتکاب جرایمی مثل جنایات جنگی، در مقابل دادگاه کیفری بین‌المللی به محاکمه کشیده نخواهند شد حقوق بین‌المللی و پیروی از کنوانسیون حقوق کودک، که در ماده (۱) کودک را شخص زیر هجده ساله می‌داند، باید مورد استقبال قرار داد. مخصوصاً از آن رو که هدف اصلی دادگاه کیفری بین‌المللی مقابله با جنایتکاران اصلی باشد و نباید وقت خود را صرف رسیدگی به جرایم مجرمان دیگر نماید و بعید است که اشخاص کمتر از هجده سال آن‌چنان نقش مهمی در طراحی و ارتکاب جنایات بین‌المللی داشته باشند که لزوم دخالت دادگاه کیفری بین‌المللی را ایجاب نماید.

۴-۴-۴- مستی

ارتکاب جنایات بین‌المللی از طریق مستی سابقه زیادی دارد. در جنگ جهانی دوم به کسانی که مجبور به کار اجباری در اردوگاه‌های بازداشتی بودند، مواد مست‌کننده داده میشد. بسیاری از شرکت‌کنندگان در نسل‌زدایی رواندا افراد مست بودند.^{۳۲} به کودکان سرباز، غالباً مواد مخدر یا الکل به‌عنوان روش کنترل داده میشد تا خویش‌تنداری و حیای خود را از دست بدهند و در مقابل، قدرت خود را برای انجام کارهای ناپسند افزایش دهند.^{۳۳} پس از جنگ جهانی دوم، دست کم در یک پرونده، وجود دفاع مستی به‌طور جزئی پذیرفته شد، هرچند در خصوص مسائل موضوعی رد شد.^{۳۴} در جنگها و مخاصمات معاصر، الکل و مواد مخدر، غالباً نقش مهمی در ارتکاب اعمال مادی داشتند که منجر به نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شدند.^{۳۵} کمیسیون حقیقت‌یابی و سازش لیبریا گزارش داد که «هزاران کودک و جوان، مجبور بودند به‌عنوان ایزاری برای کنترل و تعلیم آنها برای کشتن، مثله کردن و تجاوز، مواد مخدر استعمال کنند».^{۳۶}

نظامهای حقوقی داخلی معمولاً بین مستی ارادی و غیرارادی تمایز قایل میشوند. افزون بر آن، از نظر حقوق انگلستان، جرائم با قصد خاص و جرایم بدون قصد خاص با هم تفاوت دارند. ویژگی جرائم با قصد خاص، وجود شرط قصد در تعریف عنصر ذهنی آنهاست، درحالی‌که مستی ارادی، عنصر معنوی را از بین میبرد، هرچند به‌طور کلی رافع مسئولیت کیفری نیست. در خصوص «جرائم ناشی از سهلانگاری»^{۳۷} مسئولیت مطلق و جرایم ناشی از بی‌مبالاتی،^{۳۸} استنباط دلیل مستی ارادی بی‌تأثیر است. همین‌طور، مستی غیرارادی عموماً رافع مسئولیت نیست مگر اینکه اثر مستی غیرارادی به گونه‌ای باشد که عنصر معنوی جرم اصلی را زائل کند. البته این تنها در خصوص جرایم با قصد خاص یا بنیادین امکانپذیر است.^{۳۹} ادعای مستی غیرارادی در مستی غیرارادی خصوص جرایم ناشی از بی‌مبالاتی و مسئولیت مطلق، تأثیری نخواهد داشت.^{۴۰}

۳۱- میرمحمد صادقی، حسین، جنون، مستی و صغر سن در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، ماهنامه‌ی دادرسی، ۱۳۸۳، ش ۴۴

۳۲. Schabas, William, *Genocide in International Law*, Cambridge, 2000, p. 343.

۳۳. Happold, Matthew, *Child Soldiers in International Law*, Manchester, 2004, pp. 16-17.

۳۴. Chusaburo III LRTWC 76, 78.

۳۵. Darcy, Shane, "Defences to International Crimes", printed in William A. Schabas and Nadia Bernaz, *Routledge Handbook of International Criminal Law*, Routledge, 2011, p. 235.

۳۶. Truth and Reconciliation Commission of Liberia, 2009, Final Report of the Truth and Reconciliation Commission of Liberia, vol I: Findings and Recommendations, 2009, p. 51.

۳۷. Crimes of Negligence

۳۸. Recklessness

۳۹. جرائم با قصد بنیادین در حقوق انگلستان عبارتند از جرمی که با بی‌دقتی ارتکاب مییابند، از جمله جرمی که در خصوص آنها باید پیش‌بینی یا هوشیاری اثبات شود. از جمله این جرائم میتوان به یورش، قتل شبه عمد و تجاوز اشاره کرد.

۴۰. Ilias Bantekas & Susan Nash, 2003, op. cit, p. 140.

۵- نتیجه‌گیری

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام امور است و در بُعد کیفری به معنای ملزم بودن مجرم به تحمل آثار و نتایج حاصل از جرم تفسیر می‌گردد؛ به عبارتی دیگر هر کس مرتکب جرم شود، در برابر بزه دیده و جامعه مسئول شناخته خواهد شد.

در خصوص حدوث جنون پس از ارتکاب جرم و در جریان رسیدگی، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به طور کلی به نگهداری مجنون در محل مناسب حکم کرده است. در قانون مجازات اسلامی جدید، این مورد با تغییراتی همراه شده است. به موجب ماده ۴۱۱۵۰ این قانون: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون بوده یا در جرایم موجب تعزیر پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود، چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری میشود...».

شق (الف) بند ۱ ماده ۳۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، نخستین مقرره‌ای است که دفاع جنون را در حقوق بین‌الملل کیفری تدوین میکند. بر اساس این مقرره، شخص، در صورتیکه به واسطه بیماری یا اختلال ذهنی، نتواند غیرقانونی بودن عمل خود را تشخیص دهد یا آن را طبق قانون کنترل کند، از نظر کیفری در قبال فعل یا ترک فعل منع شده مسئولیت ندارد. درحقیقت، رفع مسئولیت کیفری به‌موجب شق (الف) بند ۱ ماده ۳۱ اساسنامه، دو شرط دارد: نخست اینکه باید وضعیت اختلال روانی فراتر از حالت اختلال روانی آنی و زودگذر وجود داشته باشد (صرفاً حالت روانی یا احساسی نباشد. دوم اینکه ناتوانی در درک غیرقانونی بودن عمل یا کنترل آن وجود داشته باشد.

در جرائم عمدی با فقدان قصد مجرمانه در عمل ارتكابی، حسن نیت جایگزین قصد مجرمانه گردیده و کیفر را منتفی می‌سازد. بر اساس حقوق بین‌الملل، همانند اکثر نظامهای حقوقی داخلی، جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست. حفظ نظم عمومی، لزوم اطلاع و آگاهی از قوانین محل سکونت، جلوگیری از اجرای تبعیض آمیز قانون در مورد افراد و صدمه به بنیادهای جامعه از جمله دلایلی است که عدم پذیرش اشتباه حکمی را توجیه میکند. اساسنامه رم در ماده ۳۲، اشتباه موضوعی یا حکمی را - تحت شرایطی - به‌عنوان دفاع اجازه میدهد. «هنگام تدوین اساسنامه دیوان، در خصوص این مقرره، اختلاف نظرهای زیادی وجود داشت. در ابتدا دو گزینه مطرح شد که بر اساس آنها هیئتهای نمایندگی در این خصوص اختلاف نظر داشتند که آیا اشتباه حکمی یا موضوعی باید دلیلی برای رفع مسئولیت باشد یا خیر. برخی از هیئت‌های نمایندگی بر این دیدگاه بودند که طرح اشتباه موضوعی ضرورت ندارد چرا که مشمول عنصر معنوی میشود».

منابع

- ۱- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج دوم، چ اول، پاییز ۱۳۷۱، ص ۲۴
- ۲- گلدوزیان، ۱، حقوق جزای عمومی ایران، ج ۲، چ ۴، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷
- ۳- شکیبادیزگوین، مریم، بررسی تطبیقی عوامل رافع مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، پایانامه، ۱۳۴۸
- ۴- ولیدی م.ص، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۳، تهران، نشر داد، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲
- ۵- شهید ثانی، زین‌الدین ابن محمد، مسالک الافهام، ج ۲، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۱۵، ص ۶۵
- ۶- پیمانی ضیاء الدین، تفصیل قواعد دفاع مشروع در حقوق جزایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷، ص ۹۸
- ۷- نبیپور، محمد، شرایط مسئولیت کیفر در لایحه قانون مجازات اسلامی، تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۷: ۱۳۸۹
- ۸- میرمحمدصادقی، حسین؛ طبقه‌بندی اطفال بزهکار در نظام کیفری انگلستان، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸، ص ۹۴
- ۹- امامی، سید حسن: «حقوق مدنی»، تهران، انتشارات اسلامی، چ بیست و دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵

۱۰- کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بینالملل کیفری، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، جنگل، ص ۲۸۱.
 ۱۱- آقای جنت مکان، حسین؛ محاکمه قدرت (مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیردستان آنان در حقوق کیفری بینالمللی)، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴.

۱۲- میرمحمد صادقی، حسین، جنون، مستی و صغر سن در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، ماهنامه‌ی دادرسی، ۱۳۸۳، ش ۴۴

- 13-Eser, Albin, "Defences in War Crimes Trials", in Yoram Dinstein and Mala Tabory (eds.), *War Crimes in International Law*, Kluwer Law International, The Hague, 1996, p. 251.
- 14-Bantekas, Ilias & Susan Nash, *International Criminal Law*, Second Edition, Cavendish Publishing, 2003, p. 141.
- 15-Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, 2nd, New York, Oxford University Press, 2008, p. 266
- 16-Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal Law*, 4th edn., Oxford, Oxford University Press, 2003, pp. 221 -231
- 17-Chiesa, L.E. "Duress, Demanding Heroism, and Proportionality", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 2008, 41
- 18-Schabas, William, *Genocide in International Law*, Cambridge, 2000, p. 343.
- 19-Happold, Matthew, *Child Soldiers in International Law*, Manchester, 2004, pp. 16-17.
- 20-Chusaburo III LRTWC 76, 78.
- 21-Darcy, Shane, "Defences to International Crimes", printed in William A. Schabas and Nadia Bernaz, *Routledge Handbook of International Criminal Law*, Routledge, 2011, p. 235.
- 22-Truth and Reconciliation Commission of Liberia, 2009, *Final Report of the Truth and Reconciliation Commission of Liberia*, vol I: Findings and Recommendations, 2009, p. 51.
- 23-<http://lawgostar.com>
- 24-UNDoc A/CONF 183/2/Add 1, 1998, 57.